

نشست تخصصی «تربیت چشمان معصوم در سیاست فرهنگی ایران»

نشست تخصصی «تربیت چشمان معصوم در سیاست فرهنگی ایران» با همکاری انجمن مطالعات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان و جهاد دانشگاهی واحد اصفهان با سخنرانی دکتر حامد کیا، دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی در تاریخ ۹۹/۹/۲۶ برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر کیا در خصوص عنوان بحث توضیحاتی را بیان نمودند. از نظر ایشان عنوان بحث در این قالب جستجو و کاوش‌گری ذهن مخاطب و همچنین تلاش برای ترسیم رابطه بین مفاهیم را ایجاب می‌کند. از سوی دیگر عنوان «تربیت چشمان معصوم» در واقع موقعیت پروبلماتیک ایران را نشان می‌دهد. بعد از تشریح عنوان گفتگو؛ به مبحث ارزش‌ها و چگونگی شکل‌گیری آنها پرداخته شد. از این منظر باید گفت که چگونگی شکل گرفتن ارزش‌ها به طور دقیق مشخص نیست، همچنین ارزش‌ها زمانی که خلق می‌شوند به نوبه خود کاری انجام نمی‌دهند، در عوض ارزش‌ها زمانی می‌توانند کارآمد شوند که به الگوهای تکرار شونده تبدیل گردند و تکرار این الگوهای ارزشی است که فرد را به یک انسان معمولی یا اجتماعی تبدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر انسان معمولی یا نرمال، در واقع در یک فرایند تکرار ارزش‌ها معمولی و به بیانی «تربیت» شده است؛ بنابراین انسان معمولی، انسانی است که در محدوده ارزش‌ها و قوانین حرکت می‌کند.

از سوی دیگر احساسات و ادراکات نیز در محدوده تکرار ارزش‌ها شکل می‌گیرد. احساسات در پیچه ارتباط با جهان پیرامون است و در این بین «چشم» به مثابه مهمترین در پیچه احساسی-ادراکی است. برای نخستین بار در قرن ۱۹ بود که مطالعه چشم و ساختار آن مورد توجه قرار گرفت و شیوه دیدن به مثابه شیوه شناخت جهان در کانون توجه قرار گرفت، از این حیث می‌توان گفت «چشم» یا «نظام دیداری» یک نظام تربیتی، سیاسی و فرهنگی است؛ به عبارت دیگر، نظام‌های سیاسی فرد را فرا می‌خواند که چه چیزهایی را ببیند و چه چیزهایی را نبیند.

بعد از توضیحات در خصوص چگونگی شکل گرفتن ارزش‌ها و تربیت فرد و همچنین اهمیت «چشم» در تربیت، دکتر کیا به تفکیک و توضیح سه نظام دیداری در سه دوره قاجار، پهلوی و دوره بعد از انقلاب یا دهه شصت پرداختند. برای تشریح این سه دوره نیز از اسلایدها و تصاویر مرتبط استفاده شد. از نظر ایشان در دوره قاجار، جامعه ایرانی یک جامعه‌ی ساکن است، جامعه‌ای که اهل سفر و تحرک نبوده و اگر در کی از سفر دارد، صرفاً سفرهای زیارتی و مذهبی است. به همین دلیل نظام دیداری این دوره یک نظام معنوی است؛ زیرا سکون و ایستادن مداوم در یک نقطه، ناخودآگاه فرد یا جامعه را دچار ارزش‌های ازلی و یک نظام تقدیرگرا می‌کند.

این نظام دیداری در دوره پهلوی متحول می‌شود. دوره پهلوی دوره شکل‌گیری ایران به معنای ایرانیت قبل از اسلام است. در این دوره نظام دیداری می‌تواند چیزهایی را ببیند که قبلاً امکان دیدن آن وجود نداشت که اولین نشانه آن در معماری ظهور می‌یابد که برخی از آنها از معماری دوره ساسانی الهام گرفته است. همچنین نصب مجسمه‌هایی در شهر مانند مجسمه خیام، فرودوسی و ... یک نظام دیداری جدید را نوید می‌دهد. در دوره رضا شاه نظام دیداری می‌تواند چیزهای جدیدی را ببیند مثل

موی زنان یا بدن نیمه برهنه مردان ورزشکار در نشریات. به علاوه از منظری دیگر می توان گفت چارچوب تربیتی چشم ایرانی در این دروه چیزهایی را می بیند که معرف نظام مصرفی و فرهنگ غربی است، بنابراین نظام دیداری، مادی می شود و آنچه در غرب دیده می شود در اینجا هم دیده می شود.

بدیل این نظام دیداری، یک نظام دیداری اسلامی است که سعی در فاصله گرفتن از نظام ارزشی پهلوی را دارد و این بدیل است که ما را به دهه شصت پرتاب می کند. حال سوال اساسی این است که اگر انسان ایرانی می خواست چیز دیگری را ببیند، چه چیزی را باید می دید؟ دیدن «خود» ایرانی که دیگر غربی نیست، شکلی از فرد که توسط الگوهای پهلوی بمباران نمی شود. پاسخ روشنفکران به این سوال نیز «بازگشت به خویشتن» بود که این خویشتن به مرور مفهوم اسلامی پیدا کرد؛ بنابراین بدیل فرهنگ مصرفی غربی در پهلوی، «نظام دیداری اسلامی» بود.

نکته مهم در این دوره این است که نظام حواس، نباید درگیر دنیای این جهانی شود چون از مسائل انقلابی دور می گردد و در این بین «موسیقی»، «سینما»، «تئاتر» و ... کنار رفت زیرا حواس انسان انقلابی را پرت می کرد. در حقیقت هر چیزی که در فرهنگ مادی غرب است، مملو از کدگذاری های مفهومی- ارتباطی است که ذائقه فرد را تربیت می کند و یک انسان انقلابی باید از آن اجتناب کند؛ بنابراین می توان گفت «نظام حواس» در دهه شصت یک نظام محدود است، زیرا باید متمرکز بر انقلاب و صدور آن باشد، بنابراین تربیت جدیدی از نظام دیداری شکل می گیرد که می توان آن را به «تربیت معصوم» تعبیر کرد. نظام دیداری دهه شصت به فرد می گوید چشمش را بر دنیای مادی ببند تا بتواند حقایق دیگری از از جهان غیر مادی ببیند. از این جهت می توان گفت نظام دیداری ایرانی در جامعه پسا انقلاب، یک نظام دیداری منحصر به فرد در جهان است؛ زیرا همه نظام های دیداری مدرن فرد را دعوت می کنند که به چیزی ایمان بیاورد که می تواند آن را ببیند و آنچه دیده نمی شود، باید توسط علم به وجود بیاید؛ زیرا جهان دینی و متافیزیک در این نظام دیداری منسوخ شده و کارکرد آن تنها تسکین روحی فرد است.

تهیه و تنظیم گزارش: حکیمه ملک احمدی